

صفاتی که مربوط به نفس ناطقه است به جهت تجرّدی که دارند عین ذاتش می‌باشند.

شماره پرسش: ۲۱۱۰۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۳ ۰۴:۴۳:۴۲

متن پرسش

با سلام: سئوالی در باره ی عرض ذاتی پرسیده بودم ممنون از پاسخ. طبق برداشتهای گذشته تصور می کردم معنای عرض در عرض لازم مقابل جوهر است اما عرضی ذاتی در مقابل مثلا جوهر ذاتی، جوهر عرضی و عرض عرضی است و اصلا از نظر تقسیمات مباحث منطقی جایگاه متفاوت دارند. اگر در خطا هستم لطفا اصلاح کنید و اگر آنطور که شما تعریف کردید آیا صفات انسانی مثل رحمت، جود، علم و ... را جزء این صفات می توان دسته بندی کرد؟ بیشتر صفات مطرح شده در این مبحث ناطقیت و ضاحکیت و ماشی بودن و... است که جز ناطقیت باقی واضح نیستند در تعریف.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: صفاتی که مربوط به نفس ناطقه است به جهت تجرّدی که دارند عین ذاتش می‌باشند. به همان معنایی که برای خداوند قائلیم که صفات او عین ذات اوست. این که گفته می‌شود اتحاد بین عالم و معلوم هست در همین رابطه می‌باشد که نمی‌توان علم را به معنای حقیقی عارض بر نفس یا ذات انسان دانست. هر چند در مباحث منطقی این کار را می‌کنیم. موفق باشید